

امام خمینی^(ع): این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

۱. ترجمه دقیق این عبارت در کدام گزینه آمده است؟
 «الاضطرابُ أَمَامَ التَّوَائِبِ حَرِيٌّ بَيْنَاتِ آوِيٍّ وَ لَا يَجْمُلُ بِالْأَسْوَدِ الْمَسْجُونِينَ سَوِيَّ الْاِسْتِهْزَاءِ بِالسَّجَنِ وَ السَّجَانِ»
 الف. اضطراب و بی‌قراری شایسته رهبران نیست همانگونه که زیبا نیست که شیران از شغالان بترسند.
 ب. نگرانی در برابر دشمنان برای آزادگان برانزده نیست همانگونه مسخره کردن زندانیان برای بزرگان شایسته نیست.
 ج. بی‌تابی در برابر رویدادهای ناگوار شایسته شغالان است و برای شیران به بند کشیده شده جز به مسخره گرفتن زندان و زندانبان پسندیده نیست.
 د. نگرانی‌های پیشوایان برای دیگران است و آزادگانی که زندانی هستند زندان را به هیچ می‌پندارند.
۲. «فَتَقَفَعْنَا» در این عبارت به چه معنی می‌باشد؟
 «فَضْرَبَهُ الْحَجَّاجُ عَلَيَّ يَدِيهِ فَتَقَفَعْنَا فَلَقَّبَ بِالْمَقْفَعِ»
 الف. پس برگشتند. ب. پس پیروی کردند. ج. پس خشک شدند. د. پس بریده شدند.
۳. کدام گزینه درباره «الْخِلَالِ» صحیح است؟
 «قِسْمُ الْأَوَّلِ فِي السُّلْطَانِ وَ مُصَاحِبِهِ وَ مَا يَجْمُلُ بِكُلِّ مِنْهُمَا مِنَ الْخِلَالِ»
 الف. خوی‌ها، جمع «خَلَّة»
 ب. فاصله‌ها، جمع «خلل»
 ج. دوستان، جمع «خُل»
 د. بخش‌ها، جمع «خَلَّة»
۴. کدام گزینه درست است؟ «و قَدْ سَادَ أَسْلُوبُهُ وَ اِحْتِذَاهُ بُلْغَاءُ الْكِتَابِ وَ ظَلَّ سَائِدًا»
 الف. ساد: ساده شد.
 ب. اِحْتِذَاهُ: از او پیروی کردند.
 ج. الْكِتَاب: کتاب‌ها
 د. ظَلَّ: گاهی
۵. کدام گزینه جمع مکسر است؟
 الف. جُلُّ ب. مَرُوي ج. ضُؤُولَةٌ د. الْأَنِية
۶. با توجه به «فَلَا تَرَيْنَ» کدام گزینه درست است؟
 الف. فعل نهی مؤکد به نون ثقلیه، مفرد مذکر مخاطب
 ب. فعل مضارع منفی، مفرد مؤنث مخاطب
 ج. فعل مضارع معتل اللام (ناقص) جمع مؤنث مخاطب
 د. فعل مضارع مجزوم، جمع مؤنث مخاطب

۷. «و لیسَ غِذاءُ الطَّعامِ بِأَسْرَعَ فِي ثَبَاتِ الْجَسَدِ مِنْ غِذاءِ الْأَدَبِ فِي ثَبَاتِ الْعَقْلِ» یعنی:

- الف. غذاهایی که گیاهی هستند در پرورش تن آدمی مؤثرتر از اندیشه‌های عقلی می‌باشند.
ب. سرعت تأثیرگذاری غذاهای گیاهی کمتر از تأثیر غذاهایی نیست که با اندیشه بشری تهیه شده‌اند.
ج. نیروی خوراک در پرورش تن زودتر از نیروی ادب در تربیت عقل تأثیر نمی‌گذارد.
د. تغذیه خوب پیش زمینه اندیشه‌های عقلی خوب است.

۸. در ریشه واژه‌های «إِسْتَبَانٌ، اجْتَبَى و يَزْدَادُ» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- الف. بَانَ، جَبَا، زَيْدَ ب. بِن، جَبو، زود ج. بِن، جَبو، زید د. بون، جبی، زود

۹. «ابتدار» در این عبارت به چه معناست؟

- «سُئِلَ الْأَسْكَندَرُ: مَا أَكْبَرُ مَا شَهِدْتَ بِهِ مُلْكَكَ؟ قَالَ: ابْتِدَارِي إِلَى اصْطِنَاعِ الرِّجَالِ وَ إِحْسَانِ إِلَيْهِمْ»
الف. اصرار کردن ب. آغاز کردن ج. قصد کردن د. پیشی گرفتن

۱۰. «فَرَّقَ لَهُ الثُّعْمَانُ وَ قَالَ لَهُ: لَا إِلَا أَنْ يَضُمَّكَ رَجُلٌ مِمَّنْ مَعَنَا» «فَرَّقَ لَهُ الثُّعْمَانُ» یعنی:

- الف. پس دل نعمان به حال او سوخت.
ب. پس نعمان برای او شرط گذاشت.
ج. نعمان او را دور کرد.
د. نعمان به او خندید.

۱۱. در کدام گزینه اسم مصغر آمده است؟

- الف. إِنْ حَصْنُكُمْ حَيَصًا ب. دُوَيْنَ السَّحَابِ ج. مُؤَيِّدُكُمْ د. غَضَابٍ

۱۲. «وَ هُوَ مُتَوَشِّحُ السَّيْفِ يَجُوسُ عَسْكَرَهُ» یعنی:

- الف. درحالی که شمشیر بر کف بود و از لشکرش مواظبت می‌کرد.
ب. او شمشیر را آماده می‌کرد و لشکرش جمع آمده بودند.
ج. در حالی که شمشیرش را حمایل کرده بود و لشکرش را بررسی می‌کرد.
د. او شمشیر می‌زد و لشکرش به دنبال او بودند.

۱۳. در کدام گزینه فعل ثلاثی مجرد آمده است؟

- الف. اتَّقُوا ب. فَارَسَلْ ج. نَكَّسَ د. فَلَمْ يَعْصُوهُ

۱۴. معنی «أَنْ يُغْتَرَّ بِهِ» و «مَلَقًا» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

«الْعَدُوُّ الَّذِي لَا يَنْبَغِي أَنْ يُغْتَرَّ بِهِ وَ إِنْ أَظْهَرَ تَضَرُّعًا وَ مَلَقًا»

- الف. که به او اعتماد کرد - خواهش
ب. که فریفته و مغرور او شد - چاپلوسی و تملق
ج. که به او نیکی کرد - مزاح و شوخی
د. که با او جنگید - التماس

۱۵. «نُلْقِيَ إِلَيْهِنَّ مَقَالِيدُ الْأُمُورِ» یعنی:

- الف. با آنها در مورد جنگ‌ها مشورت می‌شد.
ب. با آنها در مورد امور کشور ملاقات صورت می‌گرفت.
ج. کلیدهای حکومتی را آنها می‌ساختند.
د. کلید اداره مسائل و کارها به آنها سپرده می‌شد.



۱۶. «نَحْتَرِسُ مِنَ الْعِزَّةِ» یعنی:

- الف. از ناآگاهی و فریب خوردن پرهیز می‌کنیم.
ب. از لشکر خود پاسداری می‌کنیم.
ج. از فرار و گریز پرهیز می‌کنیم.
د. از غرور خود پاسداری می‌کنیم.

۱۷. «لَا أَرَى مَا قَالَا زَائِيًّا وَلَكِنْ ثُبْتُ الْعِيُونَ وَ ثُبْتُ الْجَوَاسِيسَ» یعنی:

- الف. نظر آن دو را قبول ندارم ولی ما جاسوسان خود را روانه می‌کنیم.
ب. آن کسانی که این سخنان را گفتند ندیدم ولی چشمها جاسوس دل هستند.
ج. آن کسانی که این سخنان را گفتند ندیدم ولی دقت می‌کنیم و آنها را جستجو می‌نماییم.
د. آنچه را گفتند در آنها نمی‌بینیم ولی به خبر رسانان خود دل بسته‌ایم.
۱۸. «مَنْ أَرَاءَ الْمُلُوكَ أَنْ يَجْعَلُوا الْأَمْوَالَ جُنَّةَ الْبِلَادِ وَالْمُلُوكَ وَالرَّعِيَّةَ» در این عبارت «جُنَّة» به چه معناست؟

- الف. پوششیده
ب. بهشت
ج. سپر
د. در خدمت
۱۹. «إِنَّا لِلْيَوْمِ شَدِيدُ الْهَيْبَةِ وَإِنْ أَضْرَبْنَ عَنْ قِتَالِنَا» در این عبارت «أَضْرَبْنَ» به چه معناست؟
الف. روی گردانی کنند.
ب. اصرار کنند.
ج. پیشگام شوند.
د. آماده شوند.
۲۰. «فَنَهَضَ الْمَلِكُ مِنْ سَاعَتِهِ وَ خَلَا بِهِ فَاسْتَشَارَهُ» یعنی:

- الف. پادشاه (زاغان) در زمان مناسب برخاست و او را صدا زد و نظر خواست.
ب. پادشاه (زاغان) همان دم برخاست و با او خلوت کرد و نظر خواست.
ج. امیر از زمان استراحت خود گذشت و شورا تشکیل داد.
د. امیر در زمان مناسب حرکت کرد و نظر خود را به آنها گفت.

۲۱. «بَادَتْ» در این عبارت چگونه فعلی است؟ «لَوْ أَنَّ الطَّيْرَ بَادَتْ مِنَ الْأَقَالِيمِ»

- الف. فعل امر، مفرد مؤنث غایب، اجوف
ب. فعل ماضی، مفرد مؤنث مخاطب، ناقص واوی
ج. فعل امر، مفرد مؤنث مخاطب، ناقص
د. فعل ماضی، مفرد مؤنث غایب، از مصدر «بَیْد»
۲۲. «زَعَمُوا أَنَّ أَرْضًا مِنْ أَرْضِي الْفِيلَةِ تَتَابَعَتْ عَلَيْهَا السَّنُونَ وَ أَجْدَبَتْ وَ غَارَتْ عُيُونُهَا» این عبارت بر کدام گزینه اشاره دارد؟

- الف. قدیمی بودن منطقه
ب. فراوانی و برکت
ج. خشکسالی
د. غارت و جنگ
۲۳. کدام گزینه درست است؟

- الف. فيلة: فیل‌ها
ب. الأرانب: جغدها
ج. غربان: غروب‌ها
د. روحات: سرچشمه
۲۴. «فَانْطَلَقِي» یعنی:

- الف. جدا شدند.
ب. روانه شو.
ج. پس بیان کن.
د. آمدن من.

۲۵. «الرَّسُولُ غَيْرُ مَلُومٍ فِيمَا يَبْلُغُ وَإِنْ أَغْلَطَ فِي الْعَقُولِ» یعنی:

الف. پیامبر اگر پیام خود را کامل بیان کند سرزنش نمی‌شود.

ب. فرستاده اگر در پیام رسانی خود سخن درشتی بگوید جای سرزنش نیست.

ج. پیامبر اگر عصبانی شود شایسته سرزنش است.

د. پیامبر در رساندن پیام نباید دروغ و ناراستی پیشه کند.

۲۶. «فَهَلُمَّ إِلَى الْعَيْنِ مِنْ سَاعَتِكَ فَإِنَّهُ مُوَافِكَ بِهَا» کدام گزینه اسم فعل است؟

الف. هَلُمَّ ب. الْعَيْنِ ج. مُوَافِكَ د. بِهَا

۲۷. «الصَّفَرِد» و «الْحَبَّ» به ترتیب به چه معنایی هستند؟

الف. باز شکاری - لانه پرنده

ج. چکاوک - فریبکاری

۲۸. کدام گزینه صحیح است؟

الف. لایهَرَقْ: نمی‌ریزد ب. دَابَّة: جنگل ج. الصَّوَام: شب زنده‌دار د. طَالَتْ: طلوع کرد

۲۹. «حکومت» در این عبارت به چه معناست؟ «أَنَا مُبْتَدِئُكُمْ بِالنَّصِيحَةِ قَبْلَ الْحُكُومَةِ»

الف. فرمانروایی ب. جنگ ج. به حکومت رسیدن د. قضاوت

۳۰. عبارت «عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ» به چه معنی است؟

الف. علیه شاهدان ب. بر سر شهیدان ج. دور از چشم مردم د. در برابر چشم همگان

۳۱. در مورد معنی و نوع کلمه «مُحْتَالُونَ» کدام گزینه صحیح است؟

الف. حيله‌گران - اسم مفعول

ج. نیرنگ بازان - اسم فاعل

۳۲. «فَجَعَلَ الْغُرَابُ يَتْنُ وَيَهْمِسُ» یعنی:

الف. زاغ در لانه نشست و آرام گرفت.

ج. زاغ غذا را در لانه نهاد و پرید.

۳۳. «إِنَّهُمْ أَشَدُّ بَطْشًا وَ أَحَدُ قُلُوبًا مِتًا» یعنی:

الف. ناراحتی و سختی آنها از ما بیشتر است.

ج. آنها از ما دلسوزتر و مهربان‌تر هستند.

۳۴. «لُصُوصُ» به چه معناست؟

الف. دزدان ب. وزیران ج. پناهندگان د. نشانه‌ها

۳۵. «لَذُعُ النَّارِ آيسَرُ عَلَيَّ الْمَرْءِ مِنْ صُحْبَةِ الْأَشْرَارِ» یعنی:

الف. سوزش آتش از دوستی با اشرار برای انسان آسان‌تر است.

ب. در آتش سوختن سزای اشرار است.

ج. افروختن آتش دشمنی، کار اشرار است.

د. آتش شر و بدی از آتش سوزان بدتر است.

۳۶. «عَمِلَ الشَّعْرُ عَلَيَّ الْحَاقِقَ بِهِ أَشَدُّ مِنْ نَقْلِ الصَّخْرِ» کدام گزینه بر مضمون این عبارت اشاره دارد؟

الف. تأثیر شعر بر مردم

ب. سختی سرودن شعر برای شاعر

ج. نقل اشعار دیگران

د. نقل داستان

۳۷. «فَمَنْعَتْ حَوْزَتَهُ وَ كُنْتُ وَقَاءَهُ»

مِنْ وَقَعَ كُلُّ مُهَنْدٍ وَ سِنَانٍ» «مُهَنْدٌ» یعنی:

الف. آرامش

ج. شمشیر هندی

ب. آماده

د. کلاه خود

۳۸. «الْمُؤْمِنُ لَا يَكُونُ مَكَّاسًا» یعنی:

الف. مؤمن چانه نمی‌زند و بهای جنس را کم نمی‌کند.

ب. مؤمن حيله‌گری نمی‌کند.

ج. مؤمن کم فروشی و احتکار نمی‌کند.

د. مؤمن پیش داوری نمی‌کند.

۳۹. «وَ لَوْ كَانَ نَجْمٌ مُخْبِرًا عَنْ مَنِيَّةٍ»

لَأَخْبَرَهُ عَنْ رَأْسِهِ الْمُتَحِيرِ» «مَنِيَّةٌ» یعنی:

الف. آرزو

ج. مرگ

ب. غرور

د. تاریکی

۴۰. «حَبَّبَ إِلَيَّ نَفْسِكَ الْعِلْمَ حَتَّى تَلَزَمَهُ وَ تَأْلَفَهُ» «تَأْلَفَهُ» یعنی:

الف. با آن خو و الفت بگیرد

ب. آنرا به دست آوری

ج. آنرا بنویسی و مکتوب کنی

د. آنرا ادامه بدهی